

## سبکهای هویت شناختی - اجتماعی در بین دانش‌آموزان تیزهوش و عادی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۵/۳۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۴/۴

محمد الوندی سرابی<sup>۱</sup>

علی اصغر کاکوجویباری<sup>۲</sup>

فرهاد شقاقی<sup>۳</sup>

### چکیده

**مقدمه:** هدف پژوهش حاضر، بررسی سبکهای هویت شناختی - اجتماعی در میان دانش‌آموزان دبیرستانهای همدان با تأکید بر نقش تفاوت‌های بهره هوشی بود.  
**روش:** جامعه آماری این پژوهش علی - مقایسه‌ای شامل کلیه دانش‌آموزان پسر سال سوم مشغول به تحصیل دبیرستانهای شهر همدان بود که از میان آنها ۲۰۰ دانش‌آموز (۱۰۰ نفر عادی و ۱۰۰ نفر تیزهوش) با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش عبارت بود از پرسشنامه تجدیدنظر شده سبک هویت. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده شد.  
**یافته‌ها:** نتایج نشان داد که گروه تیزهوش در سه خرده‌مقیاس سبک اطلاعاتی، هنجاری و تعهد در مقایسه با گروه عادی دارای میانگین بالاتر است و گروه عادی در خرده‌مقیاس سردرگم/اجتنابی میانگین بالاتری دارد.  
**نتیجه‌گیری:** این یافته‌ها در کل مؤید وجود وضعیت هویتی مطلوب‌تر در دانش‌آموزان تیزهوش در مقایسه با دانش‌آموزان عادی است.

**کلیدواژگان:** سبکهای هویت، شناختی - اجتماعی، دانش‌آموز، تیزهوش، عادی

۱ مربی گروه روانشناسی دانشگاه پیام نور

۲ دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه پیام نور

۳ استادیار گروه روانشناسی دانشگاه پیام نور

## Social cognitive identity styles between gifted and non- gifted students

Alvandi Sarabi, M.

Kako Joibari, A. A.

Shagagi, f.

### Abstract

**Introduction:** The aim of the present study was to investigate different aspects of identity among the students of high schools in Hamadan with a focus on the role of IQ.

**Method:** The statistical universe included all the Third Grade male students who were studying at high schools of Hamadan. The samples included 200 cases (100 gifted and 100 non-gifted) that were selected by multistage cluster sampling. The revised identity style questionnaire was the devices used in this study. Multivariate Analysis of Variance was applied for the purpose of data analysis.

**Results:** findings of the study indicated that: regarding the three sub-scales of information, normative and commitment identity style, the gifted group had (got) higher means compared to the non-gifted group. This is while the non-gifted group showed a higher mean in the sub-scale of diffuse/avoidance. These findings, On the whole, prove better identity status among the gifted students in comparison to the non-gifted group.

**Key words:** identity styles, social cognitive, student, gifted, non-gifted

## مقدمه

رشد هویت<sup>۱</sup> معمولاً یکی از جنبه‌های تحول «خود»<sup>۲</sup> محسوب می‌گردد. نظریه‌پردازان هویت را می‌توان گروهی از نظریه‌پردازان روان‌شناسی «من»<sup>۳</sup> دانست که وجه اشتراک آنها تأکید بر تأثیر جنبه‌هایی از محیط اجتماعی و فرهنگی بر «من» و رشد و عملکرد آن است. تکامل مطالعه رشد هویت از اولین نوشته‌های فروید<sup>۴</sup> تا تفسیرهای نظری و نتیجه‌گیریهایی اریکسون، عملیاتی کردن تجربی مارسیا<sup>۵</sup> و در نهایت نظریات شناخت اجتماعی برزونسکی<sup>۶</sup>، گروتوانت<sup>۷</sup>، واترمن<sup>۸</sup>، کورتینس<sup>۹</sup>، آدامز<sup>۱۰</sup> و کوته<sup>۱۱</sup> که از ۱۹۸۷ به بعد معرفی شده، قابل ردیابی است (شوارتز، مولیس، واترمن و دونهام<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۰؛ شهرآرای، ۱۳۸۴).

اگرچه فروید (۱۹۶۱/۱۹۲۳)، به نقل از شوارتز، (۲۰۰۱) درباره همانندسازی و دیگر فرآیندهای مشابه هویت مطالبی نوشت، اولین نوشته‌های روانکاوانه که شکل‌گیری هویت را به امری فراتر از همانندسازی‌های کودکی و درون‌سازی‌های والدینی تبدیل کرد، آنهایی بودند که اریکسون در کتاب کلاسیک خود با عنوان «کودکی و جامعه»<sup>۱۳</sup> آورده است. اریکسون بر این باور است که وجود عناصر انتخاب شده هویت خود، کودک را از نوجوان و بزرگسال متمایز می‌سازد. او بر این نکته تأکید می‌کند که «انسجام هویت، پایان کودکی را نشان می‌دهد».

اندیشه‌های اریکسون درباره فرآیند رشد هویت، تلاش‌های بسیاری را برای فهم بهتر مباحث روان‌شناسی نوجوان تحت تأثیر قرار داده است (شهرآرای، ۱۳۸۴). اریکسون (۱۹۶۸)، به نقل از مونتگومری<sup>۱۴</sup>، (۲۰۰۵) یک چارچوب اولیه و مؤثر برای بررسی هویت فردی فراهم کرد. وی احساس داشتن هویت را «سازماندهی پویا و خودساخته از سائق‌ها، توانایی‌ها، باورها و تاریخ شخصی به صورت یک خود منسجم و مستقل که هدایت‌کننده مسیر در حال رشد زندگی فرد است» مفهوم‌سازی کرده است.

مارسیا (۱۹۸۰، ۱۹۹۹)، به نقل از برزونسکی، (۲۰۰۵) مفسر آثار اریکسون و عملیاتی‌کننده مفهوم هویت، هویت را به عنوان یک ساختار خود درونی با سازمانی پویا از سائق‌ها، توانایی‌ها، عقاید و تاریخچه فردی در نظر می‌گیرد. مارسیا (۱۹۹۳، ۱۹۶۶)، به نقل از شهرآرای، (۱۳۸۴) بر اساس مطالعاتی که با دانشجویان دانشگاه انجام داد، به دلیل پیچیدگی مفهوم هویت آن را از چند بُعد مورد

- 
- 1 - identity
  - 2 - self
  - 3 - Ego
  - 4 - Freud
  - 5 - Marcia
  - 6 - Berzonsky
  - 7 - Grotevant
  - 8 - Waterman
  - 9 - Kurtines
  - 10 - Adams
  - 11 - Cote
  - 12 - Schwartz, Mullis, Waterman & Dunham
  - 13 - childhood and society
  - 14 - Montgomery

بررسی قرار داد. مارسیا با در نظر گرفتن دو معیار اکتشاف<sup>۱</sup> (تلاش برای انتخاب ارزشها و عقاید) و تعهد<sup>۲</sup> (پایبندی به اعتقادات و باورهای مشخص مثل پایبندی به یک مذهب)، چهار نوع وضعیت هویتی را مفهوم سازی کرد: هویت موفق<sup>۳</sup>، دیررس<sup>۴</sup>، زودرس<sup>۵</sup> و سردرگم<sup>۶</sup>.

اگرچه وضعیت‌های هویت مارسیا به مثابه پیامدهای شخصیتی متمایز تلقی می‌شوند، تفاسیر فرآیندمحور از این وضعیتها نیز رشد قابل ملاحظه‌ای نشان می‌دهند (برزونسکی و کاک<sup>۷</sup>، ۲۰۰۵). برای مثال، برزونسکی (۱۹۸۹) یک دیدگاه اجتماعی - شناختی مطرح کرده است که بر تفاوت‌های موجود در فرآیندهایی که افراد در وضعیت‌های هویتی مختلف به منظور تصمیم‌گیری، حل مسئله و پردازش اطلاعات مربوط به خود مورد استفاده قرار می‌دهند، تأکید می‌کند. نظریه سبک‌های هویت<sup>۸</sup> برزونسکی، به جای تمرکز بر پیامد شکل‌گیری سبکها، بر فرآیند شکل‌گیری هویت تأکید می‌کند. برزونسکی (۱۹۸۹) با تأکید بر تفاوت‌های فردی در شکل‌گیری هویت، بیان می‌کند که نوجوانان در رویارویی با مسائل مربوط به خود و هویت، سه جهت‌گیری متفاوت یا سه سبک پردازشی هویتی مختلف را انتخاب می‌کنند: سبک هویت به این معناست که افراد چگونه به جستجو، پردازش و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود می‌پردازند و از آنها استفاده می‌کنند. بر اساس تحقیقات طولانی برزونسکی و آدامز (۱۹۹۸) سبک‌های اساسی هویت عبارتند از: سبک هویت اطلاعاتی<sup>۹</sup>، سبک هویت هنجاری<sup>۱۰</sup> و سبک هویت سردرگم - اجتنابی<sup>۱۱</sup>.

سبک هویت اطلاعاتی، مربوط به جهت‌گیری قوی‌تر در اکتشاف، کاربرد و بررسی و پردازش و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود می‌باشد. این سبک شامل تمایل به بررسی راه‌حلهای مختلف برای مشکل معین و شناسایی انتخاب‌های مختلف قبل از تعهد نسبت به یکی از آنها می‌باشد (فیلیپس و پیتمن<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۷). افراد با سبک هویت اطلاعاتی، درباره دیدگاه‌های خود شکاک بوده و همواره متمایلند که قضاوت درباره خود را تا هنگام پردازش و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود به تعویق بیندازند. جهت‌گیری هویت اطلاعاتی با تعمق درباره خود، تلاش‌های مقابله‌ای مسئله‌مدار، سبک معرفتی منطقی، احساس نیاز به شناخت، پیچیدگی شناختی، تصمیم‌گیری هدفمند، وظیفه‌شناسی، پذیرش و هویت موفق رابطه مثبت نشان می‌دهد (برزونسکی و کاک، ۲۰۰۰).

- 
- 1 - exploration
  - 2 - commitment
  - 3 - achievement
  - 4 - moratorium
  - 5 - foreclosure
  - 6 - diffusion
  - 7 - Kuk
  - 8 - identity styles
  - 9 - information style
  - 10 - normative style
  - 11 - diffuse/ avoidant
  - 12 - Phillips & Pittman

افراد با سبک هویت هنجاری در مواجهه با تعارضات هویت به طور نسبتاً خودآیند<sup>۱</sup> از انتظارات و توقعات «دیگران مهم»<sup>۲</sup> تبعیت می‌کنند. برخی مطالعات نشان می‌دهند که افراد با سبک هویت هنجاری سازگار و وظیفه‌شناس بوده و همچنین مفاهیم خود آنها پایدار و زودرس است (ولیوراس و بوسما<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵).

افراد دارای سبک هویت سردرگم/اجتنابی در حالتی از بلا تکلیفی به سر می‌برند و از انجام کارها و امورات زندگی خودداری می‌کنند. آنها دارای عزت‌نفس پایین، خودپنداره منفی و فقدان خودتنظیمی هستند (برزونسکی، ۲۰۰۳). دارندگان سبک هویت سردرگم/اجتنابی معمولاً فاقد قدرت تصمیم‌گیری می‌باشند و تصمیمات آنها با مسامحه و تعلل و تأخیرهای طولانی همراه است. منبع کنترل آنها بیرونی است و دارای رفتارهای هیجانی و بی‌ثباتی هستند (لویکس<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۷؛ ۲۰۱۰).

از آنچه گذشت مشخص می‌شود که هویت شناخت اجتماعی و نحوه شکل‌گیری آن از موضوعاتی است که به دلیل نقش آن در کیفیت زندگی افراد به شدت مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته و پژوهش‌های متعددی را در پی داشته است. در این میان، یکی از مباحث اساسی و اجتناب‌ناپذیر در هویت‌یابی نوجوانان و جوانان بررسی عوامل موثر در شکل‌گیری هویت و روند تحولی آن است. در این زمینه، منابع مختلف (مانند سیگلمن و ریدر<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹؛ لطف‌آبادی، ۱۳۸۹) به مواردی چون کیفیت مراحل قبلی رشد، داشتن الگوی مناسب برای همانندسازی، عوامل شناختی، والدین، عوامل مربوط به مدرسه و دانشگاه، عوامل اجتماعی-فرهنگی و ویژگیهای رفتاری و شخصیتی نوجوان اشاره کرده‌اند.

موضوع پژوهش حاضر به طور خاص بر یکی از عوامل شناختی تحت عنوان هوش‌بهر متمرکز شده است. به طور کلی رشد شناختی تأثیر مهمی بر شکل‌گیری هویت دارد. وقتی که فرد در دوره نوجوانی به مرحله تفکر عملیات صوری دست پیدا می‌کند، بهتر می‌تواند هویت آتی خود را ترسیم کند و به مسایل آن بیندیشد. نتایج تحقیقات مختلف حاکی از آن است که نوجوانانی که به رشد شناختی متناسب با این دوره رسیده‌اند نسبت به کسانی که هنوز به این سطح از تفکر دست نیافته‌اند، موفقیت بیشتری در حل مسائل مربوط به هویت نشان می‌دهند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۹).

بر اساس ادبیات پژوهشی مربوط به هویت و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن از یک‌سو و ویژگیهای مختلف شناختی و شخصیتی افراد تیزهوش از سوی دیگر مشخص شده که تنها تعداد بسیار معدودی از مطالعات (مارسیا و همکاران، ۱۹۹۳، به نقل از کروگر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱؛ هیات و کراس<sup>۷</sup>،

1 - automatic manner  
2 - significant others  
3 - Vleioras & Bosma  
4 - Luyckx  
5 - Sigelman & Rider  
6 - Kroger  
7 - Hyatt & Cross

۲۰۰۹؛ اسماعیلی، ۱۳۷۶) به صورت مستقیم‌تری با موضوع پژوهش حاضر صورت گرفته‌اند و بقیه مطالعات (فلهاوزن و نیملس - هیپن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲؛ ری<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۹۹۲، به نقل از فتحی آشتیانی، ۱۳۷۶؛ فلهاوزن، ۲۰۰۱؛ سلیمان‌نژاد، ۱۳۸۵؛ غلامرضایی، پورشافعی و دستجردی، ۱۳۸۸؛ آقاجانی، نریمانی و آسیایی، ۱۳۸۷؛ آقاجانی، نریمانی و آریاپوران، ۱۳۹۰) به صورت غیرمستقیم‌تری به مقایسه افراد تیزهوش و عادی در متغیرهایی چون ویژگیهای شخصیتی، سلامت و هوش هیجانی پرداخته‌اند.

فلهاوزن و نیملس - هیپن (۱۹۹۲) دانش‌آموزان تیزهوش و عادی را از نظر خودپنداره با هم مقایسه نمودند و نتایج پژوهش آنها نشان داد که دانش‌آموزان تیزهوش نمرات بالاتری را به دست می‌آورند. آقاجانی، نریمانی و آسیایی (۱۳۸۷) نیز در پژوهش خود دریافتند که خودپنداره دختران پسران تیزهوش از دختران و پسران عادی بالاتر است و هوش هیجانی دختران تیزهوش از دختران عادی بالاتر است. ری و همکاران (۱۹۹۲)، به نقل از فتحی آشتیانی، (۱۳۷۶) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که پسران تیزهوش در مقایسه با همسالان عادی خود از سازگاری و خودپنداره بالاتری برخوردارند.

پژوهش فلهاوزن (۲۰۰۱) نشان می‌دهد که نوجوانان تیزهوش ادراک لیاقت مثبت‌تری در مقایسه با نوجوانان عادی دارند. در همین زمینه سلیمان‌نژاد (۱۳۸۵) دریافت که دانش‌آموزان پسر مدارس استعدادهای درخشان در مقایسه با دانش‌آموزان پسر مدارس عادی در ادراک لیاقت شناختی و لیاقت رضایتمندی از خود، خود را برتر و باکفایت‌تر توصیف کرده‌اند، ولی بین دختران مدارس استعدادهای درخشان و دختران مدارس عادی در مؤلفه‌های فوق تفاوت معنی‌داری پیدا نشد. آقاجانی، نریمانی و آریاپوران (۱۳۹۰) در مقایسه کمال‌گرایی و تحمل ابهام در دو گروه دانش‌آموزان تیزهوش و عادی دریافتند که بین میانگین کمال‌گرایی مثبت، کمال‌گرایی منفی و تحمل ابهام در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی، تفاوت معنی‌دار وجود دارد؛ بدین ترتیب که کمال‌گرایی مثبت و تحمل ابهام در دانش‌آموزان تیزهوش و میانگین کمال‌گرایی منفی در دانش‌آموزان عادی بیشتر است.

غلامرضایی، پورشافعی و دستجردی (۱۳۸۸) در مقایسه بهزیستی روان‌شناختی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی به این نتیجه رسیدند که فقط میانگین نمره مؤلفه رشد فردی بهزیستی روان‌شناختی در دانش‌آموزان تیزهوش از دانش‌آموزان عادی بیشتر است و در سایر مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی تفاوتی بین دو گروه مشاهده نشد.

هیات و کراس (۲۰۰۹) فرآیند تثبیت حس هویت را در دختران و پسران تیزهوش مورد بحث قرار داده‌اند. آنها معتقدند که افراد تیزهوش ممکن است برای کسب هویت روشنی از خود با چالشها و بحرانهایی مواجه شوند. این افراد ممکن است از نظر شناختی در حد یک بزرگسال بوده ولی از

1 - Feldhusen & Nimlos-Hippen

2 - Ray

نظر هیجانی همچنان یک کودک باشند. این موضوع احتمالاً فرآیند هویت‌یابی این افراد را با مسائلی مواجه می‌کند. در همین راستا، اسماعیلی (۱۳۷۶) در پژوهش خود دریافت که مقدار بحران هویت در دانش‌آموزان تیزهوش سوم راهنمایی و اول دبیرستان بیشتر از دانش‌آموزان عادی این مقاطع تحصیلی است.

با توجه به غیرمستقیم بودن ارتباط اغلب پژوهش‌های فوق‌الذکر با موضوع پژوهش حاضر از یک سو و یافته‌های متناقض مرتبط با موضوع از سوی دیگر، پژوهش حاضر سعی دارد به صورت مشخص‌تری به بررسی سبک‌های هویت اجتماعی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی بپردازد. به این ترتیب سؤال این پژوهش عبارت است از اینکه آیا دانش‌آموزان تیزهوش و عادی در سبک‌های هویت شناختی- اجتماعی با یکدیگر تفاوت دارند یا خیر؟

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع علی- مقایسه‌ای و جامعه آماری آن شامل کلیه دانش‌آموزان پسر تیزهوش و عادی مشغول به تحصیل در سال سوم دبیرستانهای شهر همدان در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ است که ۲۰۰ نفر از آنها با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند.

### ابزار پژوهش

- پرسشنامه تجدیدنظر شده سبک هویت شناختی- اجتماعی برزونسکی (۱۹۸۹): این پرسشنامه برای اندازه‌گیری فرآیندهای شناختی- اجتماعی مورد استفاده نوجوانان در برخورد با مسائل مربوط به هویت طراحی شده و سه سبک هویتی اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/ اجتنابی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. مقیاس مذکور شامل ۴۰ سؤال است که ۱۱ سؤال به سبک هویت اطلاعاتی، ۹ سؤال به سبک هویت هنجاری و ۱۰ سؤال به سبک هویت سردرگم/ اجتنابی و ۱۰ سؤال نیز به مقیاس تعهد اختصاص داده شده است. افراد بر روی یک مقیاس پنج درجه‌ای (کاملاً مخالف=۱، مخالف=۲، تاحدودی موافق=۳، موافق=۴، کاملاً موافق=۵) به سؤالات پاسخ می‌دهند. برزونسکی (۱۹۹۲) ضریب آلفای کرونباخ خرده‌مقیاسهای اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/ اجتنابی را به ترتیب برابر با ۰/۶۲، ۰/۶۶ و ۰/۷۳ گزارش کرده است. غضنفری (۱۳۸۳) نیز ضمن تأیید پایایی و روایی این ابزار آن را در جامعه ایران اعتباریابی و هنجاریابی نموده است. برزونسکی (۱۹۸۹) در آخرین (سومین) نسخه تجدیدنظر شده پرسشنامه خود، ضرایب آلفای کرونباخ را برای سبک اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم/ اجتنابی و تعهد هویت به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۶۴، ۰/۷۶ و ۰/۷۱ گزارش کرده است. دانشورپور (۱۳۸۵) در مطالعه خود، ضرایب آلفای کرونباخ را برای هر یک از خرده‌مقیاسهای سبک اطلاعاتی، سبک هنجاری، سبک سردرگم/ اجتنابی و تعهد به ترتیب ۰/۵۷، ۰/۵۰، ۰/۵۴ و ۰/۶۶ و پایایی کل آزمون را ۰/۶۴ محاسبه کرده است.

### یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: یافته‌های توصیفی خرده‌مقیاسهای سبکهای هویت در دانش آموزان تیزهوش و عادی

متغیر	گروه	میانگین	انحراف استاندارد
سبک اطلاعاتی	عادی	۲۵/۲	۳/۲
	تیزهوش	۳۴/۸	۳/۲
سبک هنجاری	عادی	۳۱/۱	۶/۲
	تیزهوش	۳۵/۸	۳/۳
سبک سردرگم / اجتنابی	عادی	۳۱/۵	۴/۳
	تیزهوش	۲۴/۹	۳/۳
تعهد	عادی	۲۵/۱	۳/۱
	تیزهوش	۳۵/۴	۳/۲

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که در سبکهای هویت اطلاعاتی و هنجاری گروه تیزهوش دارای میانگین بالاتر است و در سبک هویت سردرگم/اجتنابی گروه عادی میانگین بالاتری دارد. همچنین، میانگین تعهد در گروه تیزهوش بالاتر است.

به اینکه نرمال بودن توزیع داده‌ها و همگنی واریانس گروهها از پیش فرضهای تحلیل کوواریانس چندمتغیری است، قبل از ارائه نتایج تحلیل کوواریانس از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها و آزمون لون<sup>۱</sup> برای بررسی فرض برابری واریانس خطای متغیرهای وابسته استفاده شد که نتایج آن در جداول ۲ و ۳ ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون لون برای بررسی برابری واریانس گروهها در متغیرهای وابسته

متغیر	نسبت F	درجه آزادی صورت	درجه آزادی مخرج	معنی داری
سبک اطلاعاتی	۰/۶۵	۱	۱۹۸	۰/۴۲
سبک هنجاری	۴۷/۲۲	۱	۱۹۸	۰/۰۰۱
سبک سردرگم / اجتنابی	۶/۱۷	۱	۱۹۸	۰/۰۲
تعهد	۰/۱۱	۱	۱۹۸	۰/۷۴

1 - Leven's Test of Equality of Error Variance



مطابق اطلاعات جدول ۲ آزمون لون فرض برابری واریانس گروهها را در دو متغیر سبک اطلاعاتی و تعهد نشان می‌دهد، زیرا در این موارد نسبتهای  $F$  مشاهده شده معنی‌دار نشده است. شرط همگنی در مورد سبک هنجاری و سردرگم/اجتنابی برقرار نیست، ولی با توجه به برابر بودن نمونه دو گروه می‌توان تحلیل را ادامه داد.

جدول ۳: آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها

نتیجه	معنی‌داری	Z کولموگروف-اسمیرنوف	متغیر
نرمال	۰/۲۶	۱/۰۱	سبک اطلاعاتی
نرمال	۰/۰۶	۱/۵۸	سبک هنجاری
نرمال	۰/۱۴	۱/۱۶	سبک سردرگم/اجتنابی
نرمال	۰/۰۸	۱/۲۹	تعهد

بر اساس نتایج جدول ۳، پیش‌فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها در مورد تمامی خرده‌مقیاسهای هویت برقرار است. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری میانگین خرده‌مقیاسهای هویت دانش‌آموزان تیزهوش و عادی در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: خلاصه یافته‌های تحلیل واریانس چندمتغیری میانگین خرده‌مقیاسهای هویت دانش‌آموزان تیزهوش و عادی

متغیر	نوع آزمون	ارزش	نسبت F	درجات آزادی فرضیه	درجات آزادی خطا	سطح معنی‌داری
سبک هویت روانشناختی	پیلایی	۰/۸۶	۳۰۶/۳۹	۴	۱۹۵	۰/۰۰۱
	ویلکز	۰/۱۴	۳۰۶/۳۹	۴	۱۹۵	۰/۰۰۱
	هتلینگ	۶/۲۸	۳۰۶/۳۹	۴	۱۹۵	۰/۰۰۱
	روی	۶/۲۸	۳۰۶/۳۹	۴	۱۹۵	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که نیمرخهای دو گروه بر اساس کلیه شاخصهای معنی‌داری تحلیل واریانس چندمتغیری معنی‌دار است. این یافته بدین معناست که نیمرخ دو گروه تفاوت معنی‌داری دارند. ادامه تحلیل در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: خلاصه یافته‌های آزمون اثر بین آزمودنیها میانگینهای خرده‌مقیاسهای هویت دانش‌آموزان

تیزهوش و عادی

متغیر	نوع سوم مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معنی‌داری
سبک اطلاعاتی	۴۵۷۹/۲۴	۱	۴۵۷۹/۲۴	۴۴۰/۲۰	۰/۰۰۱
سبک هنجاری	۱۰۹۰/۴۴	۱	۱۰۹۰/۴۴	۴۳/۹۵	۰/۰۰۱
سبک سردرگم	۲۲۱۷/۷۸	۱	۲۲۱۷/۷۸	۱۵۰/۶۴	۰/۰۰۱
اجتنابی	۵۲۷۳/۶۴	۱	۵۲۷۳/۶۴	۵۲۶	۰/۰۰۱

اطلاعات مندرج در جدول ۵ نشان می‌دهد که دو گروه در کلیه خرده‌مقیاسهای سبک هویت روان‌شناختی تفاوت معنی‌دار دارند. تفاوتها (جدول ۱) حاکی از این است که گروه تیزهوش در سه خرده‌مقیاس سبک اطلاعاتی، هنجاری و تعهد دارای میانگین بالاتری در مقایسه با گروه عادی است و گروه عادی در خرده‌مقیاس سردرگم/اجتنابی میانگین بالاتری دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی سبکهای هویت شناختی - اجتماعی در دانش‌آموزان دبیرستانهای همدان با تأکید بر نقش تفاوت‌های بهره‌هوشی بود. نتایج نشان داد که گروه تیزهوش در مقایسه با گروه عادی در سه خرده‌مقیاس سبک اطلاعاتی، هنجاری و تعهد دارای میانگین بالاتر و در خرده-مقیاس سردرگم/اجتنابی دارای میانگین پایین‌تر است. لذا می‌توان به صورت کلی بیان کرد که گروه تیزهوش در سبکهای هویت روان‌شناختی از وضعیت مطلوبتری در مقایسه با گروه عادی برخوردار است و در فرآیند هویت‌یابی عملکرد موفق‌تری در مقایسه با گروه عادی داشته است. این یافته با یافته پژوهشهایی که ارتباط غیرمستقیمی با موضوع پژوهش حاضر داشته‌اند همسو می‌باشد (فلهاوزن و نیملس - هیپن، ۱۹۹۲؛ فلهاوزن، ۲۰۰۱؛ سلیمان‌نژاد، ۱۳۸۵؛ غلامرضایی، پورشافی و دستجردی، ۱۳۸۸؛ آقاجانی، نریمانی و آسیایی، ۱۳۸۷؛ آقاجانی، نریمانی و آریاپوران، ۱۳۹۰).

در یافته‌های پژوهشهای فوق‌الذکر مشاهده شد که دانش‌آموزان تیزهوش در مقایسه با دانش‌آموزان عادی از خودپنداره، ادراک لیاقت، سازگاری اجتماعی و کمال‌گرایی مثبت بالاتری برخوردارند. اگر خودپنداره و سازگاری را به عنوان جنبه‌ای از هویت‌یابی موفق در نظر بگیریم، می‌توان از نتایج این پژوهش استنباط نمود که دانش‌آموزان تیزهوش باید وضعیت بهتری در سبک هویتی موفق داشته باشند. دیوید و کسلر (۱۹۵۸)، به نقل از سالووی و مایر<sup>۱</sup> (۱۹۹۰) هوش را به

1 - Salovey & Mayer

عنوان مجموعه‌ای از تواناییها و ظرفیتهای یک فرد برای فعالیت هدفمند، تفکر عقلانی و تعامل اثربخش (سازگاری) با محیط تعریف کرده و معتقد است که هوش نقش پیچیده و چندگانه‌ای را در سایر ویژگیهای افراد ایفا می‌کند. از نظر وی، هوش به عنوان شاخه‌ای مهم در روان‌شناسی معاصر در اکتساب ویژگیهای شخصیتی نقش به‌سزایی دارد، به عبارت دیگر هوش می‌تواند یکی از متغیرهای تأثیرگذار و مهم در تحول ویژگیهای شخصیتی سازش‌یافته باشد (آناستازی، ۱۳۷۰، ترجمه براهنی).

پیاژه (۱۳۷۱)، ترجمه منصور و دادستان) نیز هوش در انسان را عامل اصلی سازگاری می‌داند، چرا که از منظر وی زندگی هر ارگانیسمی دو بعد کلی دارد؛ ساخت و سازگاری. ساخت از ویژگیهای درونی ارگانیسم است و سازگاری حاصل تعامل ارگانیسم با محیط خارج از خود است. هر سازگاری مستلزم تعامل و تعادل میان دو پدیده جذب و انطباق است که هم در عملیات زیستی و هم در عملیات شناختی اتفاق می‌افتند. بر این اساس، از نظر پیاژه رسیدن به تواناییهای انتزاعی در دوره نوجوانی می‌تواند به سازگاری نوجوان در دوره بلوغ و هویت‌یابی کمک نماید. در همین راستا پیاژه (۱۳۷۳، ترجمه محسنی) معتقد است بر خلاف آنچه که ظواهر نشان می‌دهد، دستاوردهای خاص دوره نوجوانی، تعادلی را برای عاطفه و تفکر تضمین می‌کند که عالی‌تر از تعادل دوره‌های قبلی است. در واقع در دوره نوجوانی تواناییها چند برابر می‌شود که این امر در نهایت به ثبات هر چه بیشتر عواطف و تفکر می‌انجامد. سطح بالای تفکر به نوجوان این آزادی عمل را می‌دهد که درباره آنچه امکان دارد به تفکر بپردازد و بر اساس آن برای زندگی آینده خود به تصویربرداری و برنامه‌ریزی بپردازد. نوجوان می‌تواند راههای پیش روی خود را ارزیابی نموده و در مورد آینده خود تصمیم‌گیری کند. بنابراین می‌توان این استنباط را داشت که تواناییهای شناختی بیشتر و بهتر می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در تفاوت‌های فردی در هویت‌یابی نوجوانان به شمار آید (آقامحمدیان و حسینی، ۱۳۸۶).

تأکید بامیستر و موراون<sup>۱</sup> (۱۹۹۶) بر نقش انتخاب‌های فردی در هویت‌یابی نیز می‌تواند به نقش تواناییهای شناختی در این زمینه مربوط باشد. آنها هویت را به عنوان سازگاری شخص با زمینه‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی تعریف کرده‌اند و معتقدند نقشی که زمینه‌های اجتماعی در شکل‌گیری هویت ایفا می‌کند نقشی بنیادی و اساسی است، ولی هویت‌های افراد صرفاً به وسیله جامعه شکل نمی‌گیرد، بلکه اشخاص به طور قابل ملاحظه‌ای انتخاب‌کننده و تأثیرگذار بر هویت‌های خود هستند. یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های مارسیا و همکاران (۱۹۹۳)، به نقل از کروگر، (۲۰۰۱) و اسماعیلی (۱۳۷۶) و نظرات هیات و کراس (۲۰۰۹) در خصوص عدم ارتباط هویت‌یابی با هوش و بحران بیشتر در افراد تیزهوش ناهمسو است.

1 - Baumeister & Muraven

در خصوص تفاوت یافته‌های پژوهش حاضر و پژوهش اسماعیلی (۱۳۷۶) و نظرات هیات و کراس (۲۰۰۹) یک نکته اساسی وجود دارد و آن هم تفاوت سنی نمونه‌های مورد بررسی است. به نظر می‌رسد نوجوانان تیزهوش در ابتدای فرآیند هویت‌یابی با چالش‌هایی روبه‌رو هستند ولی در نهایت سریع‌تر و با کیفیت بهتری نسبت به همسالان عادی خود این فرآیند را به پایان می‌رسانند. اریکسون (۱۹۶۸)، به نقل از ماسن و همکاران، ۱۳۹۱، ترجمه یاسایی) در مورد ارتباط هویت‌یابی با توانایی تفکر انتزاعی نوجوانان معتقد است که توانایی تفکر انتزاعی در حکم شمشیر دودی است که از یک‌سو به نوجوان در جستجوی هویت فردی کمک می‌کند و از سوی دیگر جستجو را برای او با چالش‌هایی مواجه می‌کند. به عبارت دیگر از منظر اریکسون، توانایی تفکر انتزاعی هم ابزار رسیدن به هویت فردی است و هم می‌تواند عامل آشفتگی‌های اولیه دوره نوجوانی باشد.

موضوع فوق می‌تواند دست‌مایه انجام پژوهش دیگری باشد تا در آن با نگاهی تحولی به مقایسه هویت‌یابی شناختی اجتماعی دانش آموزان تیزهوش و عادی از دبیرستان تا دانشگاه پرداخته شود. علاوه بر این، با توجه به محدودیت‌های پژوهش حاضر در کنترل برخی متغیرهای پژوهش مانند طبقه اجتماعی - اقتصادی و با توجه به وجود تنها یک دبیرستان تیزهوشان در همدان پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی با جامعه و نمونه بزرگتری در این زمینه صورت گیرد.

با توجه به نقش جنسیت در فرآیند هویت‌یابی و محدودیت پژوهشگر در انتخاب نمونه‌ای از دختران دانش آموز پیشنهاد می‌شود این موضوع نیز به عنوان یکی از پژوهش‌های آتی مدنظر پژوهشگران قرار گیرد. در نهایت ذکر این نکته ضروری است که هوش تنها می‌تواند یکی از متغیرهای مؤثر در فرآیند هویت‌یابی نوجوانان باشد، بنابراین به انجام پژوهش‌هایی نیاز است که حتی‌الامکان با کنترل سایر متغیرهای مؤثر در هویت‌یابی، سهم خالص تر هوش را مورد بررسی قرار دهند.

## منابع

- آقاجانی، سیف‌اله، نریمانی، محمد و آریاپوران، سعید. (۱۳۹۰). مقایسه کمال‌گرایی و تحمل ابهام در دانش آموزان دختر تیزهوش و عادی. فصلنامه ایرانی کودکان استثنایی، ۱، ۹۰-۸۳.
- آقاجانی، سیف‌اله، نریمانی، محمد و آسیایی، مریم. (۱۳۸۷). مقایسه هوش هیجانی و خودپنداره دانش آموزان تیزهوش و عادی. پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، ۳، ۳۲۳-۳۱۷.
- آقامحمدیان، حمیدرضا و حسینی، مهران. (۱۳۸۶). روان‌شناسی بلوغ و نوجوانی. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- آناستازی، آن. (۱۳۷۰). روان‌آزمایی. ترجمه محمدنقی براهنی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اسماعیلی، جواد. (۱۳۷۶). مقایسه بحران هویت در دانش آموزان تیزهوش و عادی پایه سوم راهنمایی و اول دبیرستان منطقه دوازده تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم.

- پیاز، ژان. (۱۳۷۱). تربیت به کجا ره می‌سپارد. ترجمه محمود منصور و پریخ دادستان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پیاز، ژان. (۱۳۷۳). پنج گفتار در روان‌شناسی. ترجمه نیکچهر محسنی. تهران: نشر بنیاد.
- دانشورپور، زهره. (۱۳۸۵). بررسی رابطه سبک‌های هویت (سبک اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم) و صمیمیت اجتماعی در دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم.
- سلیمان‌نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۸۵). مقایسه ادراک لیاقت دانش‌آموزان تیزهوش و عادی در پایه سوم راهنمایی شهر ارومیه. پیک نور، ۳، ۷۱-۵۸.
- شهرآرای، مهرناز. (۱۳۸۴). روان‌شناسی رشد نوجوان: دیدگاهی تحولی. تهران: انتشارات علم.
- غضنفری، احمد. (۱۳۸۳). اعتباریابی و هنجاریابی پرسشنامه سبک هویت (ISI-6G). مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، ۱، ۹۴-۸۱.
- غلامرضایی، زهره، پورشافی، هادی و دستجردی، رضا. (۱۳۸۸). مقایسه بهزیستی روان‌شناختی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی. فصلنامه علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، ۱، ۴۷-۴۲.
- فتحی آشتیانی، علی. (۱۳۷۶). ابعاد شخصیتی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی. مدرسه، ۳، ۶۰-۴۷.
- لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۸۹). روانشناسی رشد ۲: نوجوانی، جوانی و بزرگسالی. تهران: سمت.
- ماسن، هنری پاول و همکاران. (۱۳۹۱). رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی. تهران: نشر مرکز.
- Baumeister, R.F., & Muraven, M. (1996). Identity as adaptation to social, cultural, and historical context. *Journal of Adolescence*, 19, 405-416.
- Berzonsky, M.D. (2005). Ego identity: A personal standpoint in a postmodern world. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 5, 125-136.
- Berzonsky, M.D. (2003). Identity style and well-being: Does commitment matter? *Identity. An International Journal of Theory and Research*, 3, 131-142.
- Berzonsky, M.D. (1992). Identity style and coping strategies. *Journal of Personality*, 60, 771-788.
- Berzonsky, M.D. (1989). Identity style: Conceptualization and measurement. *Journal of Adolescent Research*, 4, 267-281.
- Berzonsky, M.D., & Adams, G.R. (1998). Reevaluating the identity status paradigm: Still useful after 35 years. *Developmental Review*, 19, 557-590.
- Berzonsky, M.D., & Kuk, L.S. (2005). Identity style, psychological Maturity, and academic performance. *Personality and Individual Differences*, 39, 235-247.

- Berzonsky, M.D., & Kuk, L. (2000). Identity status and identity processing style, and the transition to university. *Journal of Adolescent Research*, 15, 81-98.
- Feldhusen, J.F. (2001). Exploratory study of self concept and depression among the gifted. *Gifted Educational International*, 8, 136-138.
- Feldhusen, J.F., & Nimlos-Hippen, A.L. (1992). An exploratory study of self concepts and depression among the gifted. *Gifted Education International*, 8, 130-138.
- Hyatt, L.A., & Cross, T.L. (2009). *Understanding suicidal behavior of gifted students: Theory, factors, and cultural expectations*. Amsterdam: Springer Science & Business Media.
- Kroger, J. (2001). *Identity in Adolescence: The Balance between Self and Other*. London: Taylor & Francis.
- Luyckx, K., Schwartz, S.J., Soenens, B., Vansteenkiste, M., Goossens, L., & Berzonsky, M.D. (2007). Parental psychological control and dimensions of identity formation in emerging adulthood. *Journal of Family Psychology*, 21, 546-550.
- Luyckx, K., Schwartz, S.J., Soenens, B., Goossens, L., & Vansteenkiste, M. (2010). The Path From Identity Commitments to Adjustment: Motivational Underpinnings and Mediating Mechanisms. *Journal of Counseling & Development*, 88, 52-60.
- Montgomery, M.J. (2005). Psychological intimacy and identity: From early adolescence to emerging adulthood. *Journal of Adolescent Research*, 20, 346-374.
- Phillips, T.M., & Pittman J.F. (2007). Adolescent Psychological Well Being by Identity Style. *Journal of Adolescent*, 30, 1021-1034.
- Salovey, P., & Mayer, J.D. (1990). Emotional intelligence. *Imagination, Cognition and Personality*, 9, 185-211.
- Schwartz, S.J. (2001). The evolution of Eriksonian and Neo-Eriksonian identity theory and research: A review and integration. *An International Journal of Theory and Research*, 1, 7-58.
- Schwartz, S.J., Mullis, R.L., Waterman, A.S., & Dunham, R.M. (2000). Ego Identity status, identity style and personal expressiveness: An Empirical Investigation of Three Convergent Constructs. *Journal of Adolescence Research*, 15, 504-521.
- Sigelman C.K. & Rider, E.A. (2009). *Life-span human development*. Belmont, CA: Wadsworth Cengage Learning.
- Vleioras, G., & Bosma, A.H. (2005). Are Identity style important For Psychological Well-Being? *Journal of Adolescent*, 28, 397-409.